



با پایان جنگ دوم جهانی و برقراری نظام قیمومیت،انگلستان بر بخش‌هایی‌ازامپراتوری عثمانی و از جمله سرزمین فلسطین، چیرگی یافت. در دوره قیمومیت انگلستان، شرایط وزمین‌ه‌برای تقویت حضور صهیونیست‌ها و سلطه آنها بر فلسطین بیش از پیش فراهم شد و با تصویب طرح تقسیم در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸، صهیونیست‌ها تأسیس کشوری جعلی به نام اسرائیل را اعلام کردند. به این ترتیب، مسلمانان در مقابل عملی انجام‌شده قرار گرفتند که تا به امروز باعث بروز جنگ‌های متعدد منطقه‌ای میان مسلمانان و دولت صاحب اسرائیل شده است.

روابط ایران و رژیم اشغالگر قدس که از سال ۱۳۲۸ به صورت «دفاکتو» شروع شد نهایتاً بر خلاف مصالح ملی بود بلکه احساسات مردم نیز در آن نادیده گرفته شده بود. در این نوشتار به بُعد فرهنگی این روابط می‌پردازیم و می‌کوشیم براساس اسناد موجود در آرشیوو وزارت امور خارجه، به توضیح مسائلی که در این زمینه وجود داشته است، بپردازیم. البته رعایت اختصار در نوشتن مطالب رعایت شده است و ترتیب طرح موضوعات نیز دلیل بر اهمیت بیشتری است که کمتر موضوع نیست.

۱- **جهانگردی**

یکی از زمینه‌های همکاری فرهنگی بین ۲ طرف، جهانگردی بوده است. اوایل دهه ۴۰، «اسدالله علم» نخست‌وزیر وقت، از دولت اسرائیل خواست برای توسعه جهانگردی در ایران طرحی را تنظیم کند. تدی کولک، رئیس اتحادیه جهانگردی اسرائیل، به ریاست هیات اسرائیلی جهت برنامه‌ریزی برای توسعه صنعت جهانگردی ایران برگزیده شد. وی به اتفاق ۲ نفر دیگر بنا به دعوت علم ۴ مردادماه ۴۱ به تهران عزیمت کردند و طی ۱۰ روز توقف در ایران، با علم و بعضی مقامات دیگر ملاقات‌هایی انجام داده و ۱۴ مرداد به اسرائیل بازگشتند. وی در این ملاقات‌ها با اشاره به راهکارهای توسعه جهانگردی در ایران از جمله تأسیس ادارای به این منظور و همچنین تبلیغات مناسب و اصلاح وضع هتل‌ها و تربیت کادر گمرکی، اظهار داشت مهم‌تر از همه اینها، همکاری است که در این زمینه باید بین ایران، اسرائیل و ترکیه به عمل آید. کولک در این سفر همچنین توصیه کرد ضمن تأسیس هتل‌ها، جاده‌های جدید و وسایل نقلیه مدرن در تخت جمشید، ایران باید واقع‌مهمی برپا کند تا توجه خارجیان را به این تسهیلات جهانگردی جدید جلب کند. بعدها کولک اعتراف کرد هرگز تصور نمی‌کرد اسرافکاری‌ای که در جشن‌های بیست و پنجمین قرن بنیانگذاری امپراتوری ایران پیش آمد، همانی بود که او توصیه کرد. همچنین به مقام‌های ایرانی یادآور شد فعالیت و همکاری در زمینه جهانگردی چیزی نیست که بتوان آن را به صورت محرمانه انجام داد و در این زمینه باید در همه جا آشکارا به تبلیغاتی دامن‌دار دست زد. این هشدار وی به این دلیل بود که مقامات ایران در دوره پهلوی همیشه روابط عمیق موجود میان ۲ طرف را انکار می‌کردند و اصرار داشتند اسرائیلی‌ها نیز سطح مناسبات موجود را محرمانه نگه دارند. علم، نخست‌وزیر وقت نیز دستور داد جلسهای مرکب از وزیران درایی، کشاورزی و بازرگانی تشکیل شده و مسائل مورد علاقه ۲ طرف را مورد رسیدگی قرار دهد. مساله توسعه جهانگردی میان ۲ طرف در سال‌های بعد نیز دنبال شد.

۲- **جشن‌ها ۲۵۰۰ ساله**

مساله قابل توجه دیگر، نقش اسرائیلی‌ها در طراحی

و برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله است. همچنان که گفته شد، اسدالله علم سال ۴۱ از تدی کولک دعوت کرد به ایران بیاید. در این سفر وی راجع به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله با مقامات ایرانی مذاکره کرد. وی بعدها گفته بود تز اصلی برگزاری این جشن‌ها را او ارائه داده و با علم در میان گذارده است. وی با مسئولان این جشن‌ها همکاری و همکاری وسیعی داشت و ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۵۰ که جشن‌ها برگزار شد، وی از اینکه به این مراسم دعوت نشده بود، به «بروز

تظاهرات

مروری بر گذشته برای عبرت آینده

روابط فرهنگی تهران و تل آویو!

- علی محقق

نمونه‌انگتفای کنیم. گفتنی است مقامات اسرائیلی نیز

سفرهای اینچنینی به ایران داشتند؛ چنانکه شه‌ریور ۴۵، ۱۱ تن از مقامات و نمایندگان پارلمان اسرائیل به ایران سفر کردند. سفرهای بسیاری نیز در قالب شرکت در کنگره‌های علمی و دانشجویی انجام می‌شد؛ مانند سفر «ابراهیم پوردلرود» در خرداد ۴۰ جهت شرکت در کنگره جهانی علوم یهود و همچنین سفر «احسان یارشاطر» در اردیبهشت ۵۷ جهت شرکت در چهارمین اجلاس کمیته بیت‌المقدس. «ابوالحسن بنی‌صدر» و خانم «آشوری» نیز جزو مدعوین شدند و آن ۴۰ بودند که اسرائیل از آنها برای شرکت در سمینار بین‌المللی دانشجویان دعوت به عمل آورده بود.

۵- **تراج میراث ملی ایران**

یکی از زوایای پنهان روابط ایران و اسرائیل که نتیجه حضور وسیع و جدی اسرائیلی‌ها در ایران بوده، تراج میراث ملی ایران است که این غارت آشوبی باستانی و عتیقه در دوره اقتدار حکومت باستان‌پرست پهلوی(۱) انجام گرفت. آثار باستانی ایران که به میزان زیاد از کشور خارج می‌شد، به اسرائیل منتقل شده و در موزه‌های دولتی آنجا یا مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شد یا به موزه‌های بزرگ جهان در اروپا و آمریکا راه می‌یافت. در این زمینه مطلبی که در یکی از نشریات ارائه‌شده از جانب «موسی قصاب» (موشه کانساو) نماینده ایرانی‌لاصل پارلمان از حزب لیکود، مبنی بر عدم انتشار نشریه‌ای به زبان فارسی در اسرائیل و لزوم حفظ و امانه آر تباط روزانه با بیش از ۸۰ هزار یهودی ایرانی‌لاصل، موقتاً با ادامه کار بخش مذکور موافقت شد، اما چون مشکل کمبود بودجه این بخش همچنان ادامه داشت، لذا مقامات آژانس یهود قول دادند مساعی لازم را در زمینه تأمین بودجه به عمل آورند.

۷- **بورس‌های دانشجویی و دوره‌های آموزشی**
تعداد دانشجویان ایرانی در فلسطین اشغالی از اوایل دهه ۴۰ به طور محسوسی رو به افزایش نهاد و سال ۴۳ به بیش از صد نفر رسید. تعدادی از این دانشجویان مسلمان بوده و بنیه نقی از پیروان مذاهب دیگر و اکثراً یهودی بودند. تعداد دانشجویان ایرانی در سال‌های بعد افزایش بیشتری یافت، چنانکه در سال‌های اولیه دهه ۵۰، تعداد دانشجویان ایرانی در اسرائیل به بیش از ۳۵۰ نفر رسید که در دانشگاه‌های مختلف اسرائیل مشغول به تحصیل بودند. به دلیل همین افزایش تعداد دانشجویان ایرانی در اسرائیل، وزیر امور خارجه در سال ۴۴، طی نامه‌ای خطاب به وزارت آموزش و پرورش، آورده است با توجه به اقدامات سازمان میراث فرهنگی، درباره واگذاری بورس‌های تحصیلی از طرف اسرائیل به اشاع سال یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های آثار باستانی ایران را گردآوری کرد که برخی از آثار آن در جهان بی‌ نظیر بودند. در میان این آثار باستانی و اشیای عتیقه هیچ عکس‌العملی دیده نشده؛ و این واقعیتی است که هیچ توجهی برای آن نمی‌توان یافت. اسرائیلی‌ها حتی در کوشش‌های باستان‌شناسی در مناطق مختلف ایران نیز حضور داشتند و شاخصی چون «یوب ربلنو» در دهه‌ها سال یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های آثار باستانی ایران را گردآوری کرد که برخی از آثار آن در جهان بی‌ نظیر بودند. در میان این آثار باستانی و اشیای عتیقه که در موزه «تبصیل» اسرائیل به نمایش گذاشته شدند، آثار مربوط به دوره‌ای شامل قرن چهارم پیش از میلاد تا نیمه قرن ۱۸ به چشم می‌خورد. در گزارش نمایندگی ایران در اسرائیل درباره این اشیا آمده است: «در این کلکسیون آثاری وجود دارد که بهایی برای آنها نمی‌توان تعیین کرد، زیرا در جهان منحصر به فرد می‌باشند. ظرف ۲ سال، کلکسیون‌ی که در اورشلیم متمرکز گردید شامل آثاری ۲۰۰۰ ساله از دوران ماقبل تاریخ تا قرن شانزدهم بود.»

اخبار مربوط به خروج اشیای باستانی و بویژه نسخ خطی به گوش بعضی از مسوولان رسید؛ چنانکه بهممن ۴۷، وزیر وقت امور خارجه در نامه‌ای به وزارت فرهنگ و هنر می‌نویسد: «. در مورد نحوه خروج این اشیاء از ایران اطلاعاتی در دست نیست، ولی مرتباً در چمدان‌های یهودیاتی که به اسرائیل می‌روند اشیای عتیقه ایرانی، بویژه نسخ خطی کتب مختلف مخفی شده و بدون جلوگیری پلیس وارد اسرائیل می‌شود». این دیگر نشان‌دهنده لوح بی‌خبری و بی‌توجهی مقامات حکومت در قبال حفاظت از میراث ملی است. نکته قابل توجه دیگر این است که مقامات ایرانی به جای جلوگیری از خروج این اشیا از ایران، انتظار دارند پلیس اسرائیل از ورود این اشیا به اسرائیل جلوگیری کند(!) یکی از افرادی که نقش بسیار مهمی در سرقت اشیای عتیقه ایرانی بر عهده داشت و با نفوذ زیاد و دوستی گسترد‌های که با مقامات حکومت پهلوی داشت احتمالاً برحمتی این کار را انجام می‌داده است، «یعقوب نیم‌رودی» وابسته نظامی اسرائیل در ایران بود. درباره اقدامات وی در این زمینه می‌توان به کتاب خاطرات «حسین فردوست» جلد دوم مراجعه کرد که توضیحات لازم در این زمینه ارائه شده است.

۶- **بخش فارسی رادیو اسرائیل**
بخش فارسی رادیو اسرائیل پس از اعلام استقلال اسرائیل در ۱۹۴۸ ایجاد شد و شاید علت اولیه تأسیس این بخش، ارتباط با یهودیان ایران جهت امور مربوط به مهاجرت بوده باشد؛ چنانکه در این دوره این رادیو نقش مهمی ایفا کرد و اسرائیل با استفاده از آن، مستقیماً با یهودیان در ارتباط بود. در اسناد مهاجرت یهودیان ایران عنوان شده است که در سال ۱۳۲۹،

اشاره

توصیه عمه و خاله!

دوران حکومت «ناصرالدین شاه» قاجار (۱۳۱۳- ۱۲۶۴ ق) چه از نظر طول حکومت و چه از نظر جایگاه آن در تاریخ معاصر، مهم‌ترین دوره حکومت در عصر قاجاریه محسوب می‌شود. ناصرالدین شاه فرزند ذکور وارشد «محمدشاه» و ولیعهد او، از بطن «ملک‌جهان خانم»، ملقب به «مهدعلیا» متولد شد و در شب چهاردهم ماه شوال ۱۲۶۴اق پس از مرگ پدر در حالی که هنوز به ۱۸ سالگی نرسیده بود، در تبریز بر تخت سلطنت‌نست.

علاوه بر سن کم و کم‌تجربگی، عدم تحصیلات عمیق او، ایجاب می‌کرد تا مرد پخته، باتجربه و میهن‌دوستی چون «میرزا تقی‌خان امیرکبیر»، او را در راه دشوار و پریچ و خمی که در پیش رو داشت، راهنمایی کند. در دوره اول حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۲۷۳- ۱۲۶۴ق) که در تقسیم‌بندی تاریخی، دوره اغتشاش نام گرفته است، او تحت تأثیر صدراعظم کاردان خود، خواهان سر و سامان دادن به اوضاع و اصلاح امور بود. اصلاح‌خواهی ناصرالدین‌شاه به این علل، تحت تأثیر «امیرکبیر» بود که اولاً، در نظام استبدادی قاجاری، هیچ‌نوع محدودیت عرفی یا قانونی در برابر قدرت شاه وجود نداشت و حق بهره‌برداری از همه منابع موجود مملکت و انتفاع از هر نوع حقوق و مزایا برای شاه مجاز بود و بر مردم کشور حق مالکیت داشت. ثانیاً، پس از قتل امیر کبیر، دوره اصلاح امور نیز پایان پذیرفت. «جان فایزن» دربراه امانه این قدرت استبدادی می‌نویسد: «شاه مانند گذشته از قدرتی پر دامنه و مطلق‌النعان برخوردار بود. اعلان جنگ، عقد صلح، بستن پیمان، واگذاری تبول، اعطای مناصب و تعیین و وصول مالیات با او بود. او بالاترین مرجع در نظام قضایی کشور محسوب می‌شد، اختیار مرگ و زندگی همه اتباع کشور در دست او بود.»

در این نوع حکومت، توزیع مراتب قدرت، عزل و نصب عمّال حکومتی، دخل و خرج دولت، دستورالعمل ولایات، مقاطعه گمرکات و مواردی از این قبیل همه به تصمیم و فرمان شاه بود. «گاسپار درویل» که در دوره «فتحعلی‌شاه» به ایران آمده، در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «تمام مردم ایران به شاه تعلق دارند و شاه به هر طریقی که میل دارد، با آنها رفتار می‌کند. هر ایرانی به غلامی شاه میبافت می‌کند به طوری که عنوان «قلی» (برده) ضمیمه اسم بسیاری از بزرگان است. پادشاه همچنین از آنها که ناراضی است نسبت مالکیت می‌کند و اموالشان را به زیردستان خود می‌بخشد. او می‌تواند به عمیل خود، هر دختر و زنی را به هر طبقه‌ای که تعلق داشته باشد، تصاحب کند». در چنین شرایطی میرزا تقی‌خان امیرکبیر که فرزند یک آشنیز بود، به صورت غیررسمی و دور از زد و بندهای سیاسی و طبقاتی - که در آن زمان میوه مصلحتی بود- وارد عرصه سیاست شد و علم اصلاح برداشت. این در حالی بود که آینده او را «میرزاابوالقاسم قائم‌مقام‌ثانی»- که امیرکبیر نزد او به شغل کتابت مشغول بود- چنین پیش‌بینی کرده بود: «حقیقتاً من به کربلایی قربان حسد بردم و از پسرش می‌ترسم… این پسر خیلی ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می‌گذراند.»

و پیشگوی میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام درست از آب درآمد و اقدامات و اصلاحات بسیاری در زمینه‌های مختلف فرهنگی،اقتصادی،اجتماعی، سیاسی و نظامی، توسط امیرکبیر صورت گرفت که برخی از آنها، به شرح زیر است:اصلاح شیوه مالیاتی، تشویق تولیدکنندگان داخلی و ملی، دعوت استنادکاران خارجی به ایران، کاهش حقوق شاهزادگان و شاه و تأسیس ۲ سد در ایران با استفاده از درآمد این کاهش، ایجاد پادگان‌های مستحکم مرزی، تشویق استانان ایرانی به تولید سلاح، بنا نهادن مدرسه دارالفنون، انتشار اولین روزنامه رسمی به نام وقایع اتفاقیه، وارد کردن اولین ماشین چاپ به ایران و…

همین اقدامات مدبرانه و مناعت‌اذ دزدی‌ها بود که او را محسود دشمنانش قرار داد تا با دسیسه‌های مختلف نسبت به قتل او در حمام فین اقدام نشود و صدارت به «میرزااقاخان نوری» برسد.

سنندی که در زیر آمده است گواهی صادق

بر این ادعاست:

«قربات شوم

الساعة که در ایوان منزل با همشیره همایونی به شکستن لبه نان مشغولم خیر رسید که شاهزاده موفق‌الدوله حاکم قم را که به جرم رشء و ارتشاء معزول کرده بودم به توصیه عمه خود ابقاه فرموده و سخن هزل بر زبان رانده‌ام. فرستادم او را تحت‌الحفظ به تهران بیآورند تا اعلیحضرت بدانند که اداره امور مملکت با توصیه عمه و خاله نمی‌شود. زیاده جسارت است. تقی» طبیعی است که این غدغه می‌تواند در همه صرها و زمان‌ها، ساری و جاری باشد. به امید روزی که شایسته‌سالاری، جایگزین سفارشات عمه‌ها و انعکاس آن در افکار عمومی اعلام می‌شود، حکومت‌ها، دیرپا نخواهند بود.

منبع: اتفاقات تاریخی به روایت اسناد ساواک
مرکز بررسی اسناد تاریخی